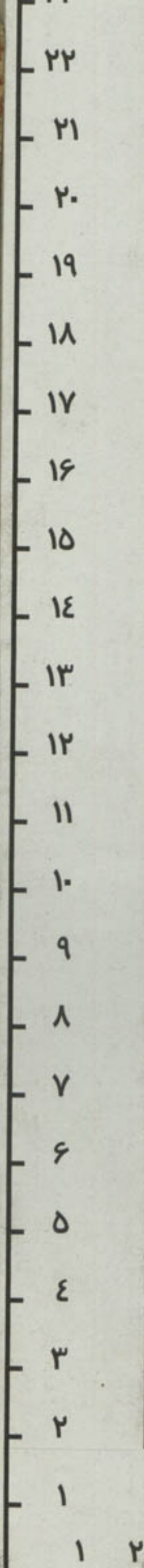




مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه







بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة
علی محمد و آله اجمعین اما بعد
این رساله ایست که حکما از کتب
قدما اختیار کرده اند و فواید بسیار

در ضمن هر حرفی مرقوم است از
هر رمزی کنزی و از هر اشارتی
بشارتی مستفاد است یقین که
چون سعادتمند ارجمند ازین پند
دل پسند بهره مند شود متصف
بعادات حمیده و اخلاق پسندیده
که شعار ارباب دین و دولت و دثار
اصحاب ملک و ملت است گردد امید
که بسعادات دینی و جهانی و دولت

جاودانی واصل شود این رساله
مسمّی است بتحفة الوزرا و مبوّبست
بچهل باب و هر باب مشتمل بر چهار نصیحت
و بالله التوفیق باب اوّل در انکه چهار چیز
پادشاهیرا نگاه دارد رعایت
و محافظت دین و وزیرا امین تا مملکت
نگهداشتن عزم نگهداشتن حزم باب دوم
در انکه چهار چیز نتوان کرد الا بچهار چیز
پادشاهی نتوان کرد الا بعدل

دشمن هلاک نتوان کرد الا بدوستی
محبّت نتوان فزود الا بتواضع
مراد نتوان رسید الا بصبر
باب سیم در انکه چهار چیز را چهار چیز حاجتست
سلاطین را بوزیران با صلاح
دلیرانرا بسلاح اسب را بتازیانه
تیغ را بقبضه باب چهارم در انکه چهار چیز را
از چهار چیز چاره نیست پادشاهرا
از سیاست و وزیر را از امانت

لشکر را از ترتیب رعیت را
از رعایت باب پنجم در آنکه چهار چیز را
ورد باید کرد دوست بدست
آوردن با همه کس نیکی کردن در
ایذای نا کوشیدن بر خلق
خدای بخشیدن باب ششم در آنکه چهار چیز
باید کرد تا تحسر نباشد رجوع
کارها با سزایان نکویی
با پاکان تعجیل در کارها فسق و فجور

و عصیان باب هفتم در آنکه چهار چیز
بر همه خلق نیکوست عدالت
و راستی و علم و داد و عقل و حلم و خرد
صبر و سکون تحمّل و حیا و شرم
باب هشتم در آنکه چهار چیز بر همه خلق
نه زیباست حقد و حسد کبر و نخوت
خشم و غضب کسالت و بی‌نمازی
باب نهم در آنکه چهار چیز آفت سلطنت است
غفلت امیران خباثت وزیران گستاخی

حقیران چند نظیران باب دهم درانکه
با چهار کس مدارا باید کرد با سلطان ستمکار
با مردم بیمار با طفل ناهشیار با یار
نانیکوکار باب یازدهم درانکه چهار چیز
موجب ثبات سلطنت عدالت و شجاعت
مروت و فتوت سخاوت و عطیت
شفقت و مرحمت باب دوازدهم درانکه
چهار چیز موجب نیکبختیست اصل پاک و دل پاک
دست پاک رای مستقیم و طبع سلیم

باب سیزدهم درانکه چهار چیز موجب
جمعیت است امن استقامت
نعمت فراغت باب چهاردهم درانکه
چهار چیز موجب دولتست فرزندانی
تایید آسمانی امام برگزیده احکام
پسندیده باب پانزدهم درانکه چهار چیز
نشان بدبختیست کاهلی جاهلی ناکسی
بیکسی باب شانزدهم درانکه رعایت
چهار چیز شرطست طاعت نصیحت شفقت

امانت در انکه چهار چیز بی ثبات
نواخت سلطان دعای زاهدان
ثنای بزرگان دیدن دوستان
در انکه چهار چیز است که بدان مغرور
نباید شد قرب سلطان زهد شیادان
نصیحت حاسدان دوستی زنان
در انکه چهار چیز کارها تمام کند
پیوستن با بزرگان تفکر در داستان
تدبیر راستان شنیدن حدیث دوستان

در انکه چهار چیز دلیل
ابلهیست خویشتن بینی و کبر عیب
دیگران جستن از سفله امید داشتن
بخیلی کردن در انکه چهار چیز
دلیل سعادتست قول و عهد درست
تواضع در همه حال سعی در کسب حلال
نگهداشتن راز در انکه
چهار چیز دلیل شقاوتست صحبت
داشتن با جاهلان دوستی کردن

بابدان نصیحت شنیدن از فضولان
عمل کردن بقول زنان
در آنکه از چهار چیز احتراز باید کرد
از شتاب و تعجیل از خشم و غضب از
بخل و امساک از عجب و تکبر
در آنکه چهار چیز موجب فلاکت است حسد
و غیبت حسنه و قباحت تکبر و نخوت
طمع و شهوت در آنکه چهار چیز
موجب ترقی و ثروتست با دوستان

مشورت با دشمنان مدارا ترک هوا
و آرزوها تحمل و صبر در قضایا
در آنکه چهار چیز را
تغییر ممکن نیست گردانیدن قضا و قدر را
باطل کردن حق را نیکو کردن بد
خود را خوشنود کردن خلق را
در آنکه چهار چیز خورد
نماید و بزرگست دشمن آتش بیماری
دانش در آنکه چهار چیز

پادشاهی را خلل آرد ظلم امیر
غفلت وزیر خیانت دبیر ستم بر جهیر

باب بیست و نهم در انکه چهار چیز را بقا
نباشد حاکم ظالم را دبیر بیخرد را
مال حرام را گردش ایام را

باب سی ام در انکه چهار چیز
عاقبت چهار چیز ست عاقبت لجاج
رسوائی عاقبت خشم پشیمانی عاقبت
بدگوئی دشمنی عاقبت کاهلی خواری

باب سی و یکم در انکه چهار چیز
بچهار چیز تمام شود دانش بعقل
طاعت بورع عمل بصدق نعمت بشکر

باب سی و دوم در انکه چهار چیز چهار چیز
آورد خاموشی راحت فضولی
ملالت سخاوت مهتری شکر افزونی

باب سی و سیم در انکه چهار چیز شهر را
ضعیف کند دشمن بسیار قرض بسیار
زن بسیار عیال بسیار با قلت مال

باب سی و چهارم در انکه چهار چیز چهار چیز را
برد ناسپاسی نعمت را بیداد قوت را
کسالت دولت را تکبر مروت را

باب سی و پنجم
در انکه چهار کار کردن را چهار چیز
لازمست سؤال کردن را خواری یافتن
عاقبت نیندیشیدن را پشیمانی دیدن
هزل بسیار کردن را سبکباری یافتن
با سلاطین دلیری کردن را هلاک شدن

باب سی و ششم در انکه چهار چیز را
نتوان باز آورد سخن گفته را
تیر انداخته را عمر گذشته را
قضای رفته را

باب سی و هفتم
در انکه چهار چیز دلیل نادانیست
با نا آزموده گستاخی کردن از زنان
چشم وفا داشتن از ابلهان
ایمن بودن و اعتماد کردن با
کودکان صحبت داشتن

باب سی و هشتم در انکه چهار چیز نقصان

عمر است و بیم مرگ بسیری
مجامعت کردن بسیری در گرمابه
رفتن غبار میوه و قدید خام
خوردن با زنان پیر صحبت داشتن
باب سی و نهم در آنکه چهار چیز
چهار کس را نباشد دروغ گو را
مروت بخیل را سعادت حسود را
راحت بدخو را مهتری باب چهلم
در آنکه چهار چیز اصل سعادت

دو جهانی و مرادات جاوید است
فرمان بردن خدا و رسول خوشنود
بودن مادر و پدر خدمت کردن
علما و حکما شفقت بر خلق خدای تعالی

تمت الرساله

در دار السلطنه اصفهان در مدرسه چهار باغ
بیست و ششم شهر محرم الحرام سنه یکهزار و دویست و
هفتاد و نه فقیر الحقیر المذنب الراجی خانلرخان
پسر شاهزاده ملک ایرج میرزا الملقب برئیس الاطبا تحریر نمود